

واکاوی رابطه نظام اداری و ساختار قدرت و تاثیر آنها بر یکدیگر در دوره امویان

حاتم موسایی^۱؛ غفار پوربختیار^۲؛ عبدالعزیز موحد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

چکیده

دیوان سالاری به عنوان یکی از نیازمندی‌های استمرار ساختار سیاسی حکومت، در تثبیت اقتدار خلافت اموی نقش بسزایی داشته است. نظام اداری و تشکیلات دیوانی بر ساختار سیاسی تاثیر گذار و ارتباط متقابل با یکدیگر داشتند. در دوران قدرت‌یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش‌های مختلف ممالک فتح شده، دیوان سالاری گسترش یافت. به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیر عرب و بهره‌گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی پاتریمونیال تحول یافت، اما تکامل تشکیلات دیوان سالاری دودمان اموی با موانع متعددی همراه شد. با پیدایش نظام اداری در دوره اموی و تداوم قدرت بنی‌امیه تا حدود یک قرن و نیز با توجه به تکامل این نظام اداری در دوره بعد از امویان، بنابراین این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و براساس مفهوم اقتدار سنتی ماکس وبر به واکاوی نقش، تأثیر و رابطه متقابل دیوان سالاری و اقتدار سیاسی در استمرار قدرت خلافت اموی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حکومت امویان با اقتباس از نظام اداری امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس، مشخصات پاتریمونیالیسم یافت، اما اختلاف‌های مذهبی، مشکلات داخلی و عدم عدالت اجتماعی مانعی برای ارتقای دیوان سالاری در این دوره بود.

واژگان کلیدی: خلافت اموی، اقتدار سنتی، دیوان سالاری، ساختار قدرت، ساختار سیاسی.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. hatammousaei@gmail.com

^۲ استادیار تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول)

porbakhtiarghafar@yahoo.com

^۳ استادیار تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. movahed2011@yahoo.com

مقدمه

با آغاز فتوحات و درآمد چشمگیر حکومت مرکزی، نیاز مقررات برای ثبت و ضبط درآمدها و موارد استفاده از منابع مالی، باعث گردید نخستین دیوان در سال های پایانی دهه دوم تأسیس حکومت اسلامی در مرکز خلافت مسلمانان ایجاد شود و به دستور عمر بن خطاب از اسیران (طبری، بی تا، ج ۴: ۴۹) و نیز شیوه ملل مغلوب (یعقوبی، ۱۳۷۹، ق، ج ۲: ۱۵۳). برای بهتر اداره کردن سرزمین های فتح شده و انجام امور اداری هر منطقه بهره مند شدند. کمی بعد و در دوران قدرت یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش های مختلف ممالک فتح شده، دیوانسالاری گسترش یافت. (ابن طقطقی، ۱۴۱۴، ق: ۱۰۶)

خلفای اموی با اقتباس از سنت های بیزانسی و الهام از امور دیوانی ساسانیان و نیز با کمک نخبگان این امور در سرزمین های فتح شده، پایه های قدرت خود را استحکام بخشیدند (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ۲۹۴ - ۲۹۳). علاوه بر مطالعه های تاریخی، جامعه شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی نیز به تأثیر متقابل بوروکراسی و تداوم قدرت حکومت ها اشاره نمود اند و گاه با واکاوی ساختارهای قدرت، به توصیف ساختارهای بوروکراتیک پرداخته اند. به طوری که وبر بر این نکته تاکید دارد که اعمال سیاست بر افراد مستلزم کنترل به وسیله سازمان اداری است. از نظر وبر نظام اداری بر ساختار قدرت تأثیر بسزایی دارد و از طرفی دیوانسالاری بایستی تابع یک کنترل سیاسی نیرومند باشد. او معتقد است که وجود رهبری قدرتمند ضروری است تا از خودمختاری بوروکراسی جلوگیری کرده و اجازه ندهد تا نظام اداری با منافع اقتصادی درگیر شود (وبر، ۱۳۸۴: ۲۶۴ - ۲۶۰).

این موضع گیری ماکس وبر از آن جهت است که او بوروکراسی را نوعی ابزار اعمال قدرت و اداره حکومت می داند که می تواند در اختیار تأمین منافع گوناگون قرار گیرد (اشرف، ۱۳۵۷: ۸۹). با وجود وحدت نظر در خصوص رابطه نظام اداری با ساختار قدرت و نقش امویان در گسترش دیوانسالاری در تمدن اسلامی، از خلال گزارش های انبوه موجود در خصوص دوران خلافت این پیشگامان در ایجاد و بهره گیری از بوروکراسی، می توان گفت که سازمان اداری موجود در دوره حکومت امویان در استمرار قدرت این خاندان تأثیر چشمگیری نداشته است. همین امر نویسنده را برآن داشته است که تأثیر نظام اداری و تشکیلات دیوانی در ساختار سیاسی و ارتباط متقابل آن با ساختار قدرت در دوره امویان با روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده های کتابخانه مورد کاوش قرار گیرد؟

درمورد تاثیر دو سویه دیوانسالاری و ساختار قدرت در عصر امویان تحقیق های چندانی بر اساس نظریه وبر انجام نشده است «بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان» از اجتهادی (۱۳۶۳) به نظام مالی اسلام تا عصر اموی پرداخته است. اثر سپهری (۱۳۸۹) تحت عنوان «تمدن اسلامی در عصر امویان» به نقش و سهم مسلمانان عصر اموی در شکوفایی علم و تمدن اسلامی اشاره کرده است. «حضارة العرب فی العصر الأموی» (حسن: ۱۹۹۴) تمدن و فرهنگ اسلامی عصر اموی را مورد بررسی قرار می دهد. دری نجمه (۱۳۸۶) در مقاله «تأثیر پذیری اعراب از ایرانیان در آداب حکومت داری» شیوه های حکومت داری اعراب با اقتباس از تمدن های دیگر مورد کنکاش قرار داده است. مقاله «نسبت دانش و قدرت در عصر امویان» بیگی و همکاران (۱۳۹۸) که نسبت دانش و قدرت را بر اساس مدل نظریه میشل فوکو مورد بررسی قرار داده است.

اما هیچ کدام از این پژوهش به واکاوی تأثیر متقابل نظام اداری و ساختار قدرت در دوره امویان بر اساس نظریه وبر نپرداخته است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیل و واکاوی توسعه و تأثیر متقابل دیوانسالاری (بوروکراسی) و ساختار سیاسی در اقتدار حکومت های اموی با رویکردی جامعه شناختی بر اساس نظریه ماکس وبر که مفهوم ناظر بر تحلیل ساختارهای سیاسی جوامع سنتی، به عنوان نظریه ای استاندارد در نظریه دیوانسالاری است پردازد؟

چارچوب نظری پژوهش

مفاهیم و تعریف نظری ماکس وبر

جامعه شناسی سیاسی وبر مبتنی بر مشروعیت و سیادت است. مشروعیت یعنی در واقع مردم قدرت حاکم را می پذیرند و سیادت به معنای اعمال قدرت از سوی حاکم می باشد (وبر، ۱۳۸۴: ۱۴). به نظر این جامعه شناس اقتدار به سه گونه تقسیم می شوند که عبارتند از: عقلانی^۱، سنتی^۲ و کراماتی یا فرهی (کاریزماتیک)^۳. اقتدار عقلانی بر اعتقاد به قانونیت کسانی مبتنی است که سلطه را اعمال میکنند. اقتدار سنتی مبتنی بر اعتقاد به مشروعیت قدرت کسانی است که بنا به سنت، مأمور اعمال اقتدارند. اقتدار کراماتی مبتنی بر فداکاری غیرعادی برای کسی است که تقدس یا نیروی قهرمانانه- اش، اطاعت و فداکاری گستردهای را در میان مریدان ایجاد نمایند، در میان انواع سه گانه حاکمیت در

¹ Bureaucratic

² Traditional

³ Charisma

اندیشه وبر، سلطه اقتدار سنتی از مهم ترین آنهاست. مبنای این سلطه در حاکمیت، ریاست بزرگ و سرکرده خاندان بر دیگر اعضا می باشد. که همان نظام پدرسالاری است. منشأ اقتدار در سلطه سنتی، عادات و سنت می باشد و انتخاب رهبر نیز برمبنایی سنت انجام می گیرد. در این نوع از سلطه، اعتقاد به قواعد قراردادی^۱ با اعتبار موقعیت و مقامی که به پشتوانه سنت شکل می گیرد، باعث اطاعت و پیروی همه اعضا از سرکرده می شود. (بندیکس، ۱۳۸۲: ۳۲۱). اقتدار سنتی در واقع شامل نظام های پدرسالار^۲، سالمندسالاری^۳ و پاتریمونیا^۴ است. منشأ و شکل اولیه نظام پاتریمونیا^۴ نظام پدرسالاری است و فتودالیسم هم نظام سیاسی است که از تقسیم و تجزیه نظام پاتریمونیا^۴ شکل گرفته است. برای شناسی نظام های متفاوت سنتی وجود یا عدم سازمان اداری الزامی است. بدین سان نظام های «پاتریمونیا^۴» و «فتودالیسم» که در تاریخ سازمان های سیاسی حائز اهمیت بودند، دارای سازمان اداری بوده اند (اشرف، ۱۳۵۷: ۸۱ - ۸۰).

نظام های سالمندسالاری و پدرسالاری دو نمونه از نظام های سنتی اند که فاقد سازمان اداری بوده، در واقع گسترده ترین و پیچیده ترین نوع سلطه سنتی که اساس و مبنای حاکمیت است، نظام پاتریمونیا^۴ می باشد. سلطه موروثی شکلی از حاکمیت سیاسی سنتی است که ترنر در تکامل نظام پدرشاهی به پاتریمونیا^۴ چنین بیان می کند پدر شاهی که شکل سنتی و ابتدایی تری نسبت به پاتریمونیا^۴ است، بیانگر تسلط یک سرکرده یا خان بر قبیله خود می باشد. هرم بوروکراسی چنین ساخت قدرتی مستقیم از خانواده سرکرده قبیله گماشته می شد، ولی وقتی که وظایف دیوانی گسترش پیدا می کرد تعداد افراد حاکم برای اداره امور به تنهایی امکان پذیر نبود، حاکم پدرمیراثی به ناچار تعداد زیادی از از بردگان را به درون دستگاه دیوانی خود وارد می کرد که به منصب های نظامی و اداری دست می یافتند (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۵۸). نظام های سیاسی بوروکراتیک - پاتریمونیا^۴ دارای دو معنایی متفاوت می باشند که نظام پاتریمونیا^۴ به عنوان نظام سنتی شخصی و بوروکراتیک به عنوان نظام عقلانی غیرشخصی (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۵۶) که در واقع هر دو نظام منشأ آنها در ساختار شخصی و ابتدایی نظام پدرسالاری می باشد که با گسترش قلمرو و پیچیده شدن تشکیلات دیوانسالاری و سیاسی به مرور زمان به شکل بوروکراتیک در آمدند. هرچند با نظام بوروکراتیک مدرن تفاوت ذاتی

¹ Stipulated

² Patriarchal

³ Gerontocracy

⁴ Patrimonial

دارد اما شباهت های با آن پیدا می کند. پیش از نظام بوروکراتیک مدرن، پیشرفته ترین نظام های سیاسی - اداری نظام پاتریمونیا ل - بوروکراتیک بود.

حکمرانی امویان

تشکیل خلافت اموی در واقع نقطه آغازگر نظام سیاسی که مبتنی بر نظام پاتریمونیا لیس م بود و مقبولیت قدرت خود را از اقتدار خلیفه می گرفت. به این اوصاف نظام پاتریارکالیز م قبیله ای عرب به نظام پاتریمونیا لیس م عربی مبدل گردید. دلیل اصلی گسترش قلمرو اسلامی در دوران حکومت اموی اشتیاق اقتصادی و سیاسی عرب ها و بخصوص خلفای اموی به این فتوحات بود چرا که در کوتاه مدت، غنایم و ثروت فراوانی را برای حکومت مرکزی به دست می آمد. بسط و توسعه قلمرو و دغدغه خلفای اموی برای موجه کردن اقتدار، آنها را مجبور می کرد تا برای اداره هرچه بهتر حکومت، تشکیلات حکومتی را ارتقا و گسترده کنند بر همین اساس وبر می گوید، برای اعمال سیادت بر افراد، متضمن کنترل به وسیله دیوانسالاری است. (وبر، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

شاخص های گسترش، استمرار و ترقی دیوانسالاری

حکومت مقتدر به عنوان پیشگام از عوامل موثر بر کارکرد نظام اداری است لذا پیدایش نظام سیاسی و توسعه دیوانسالاری با ایجاد و گسترش حکومت ارتباطی دو سویه دارند و بدون تحول ساختار سنتی جامعه، ترقی نظام اداری ممکن نخواهد شد. در واقع نظام اداری برای ترقی و تداوم به پیش شرطهای نیازمند است. در بررسی سیر دیوانسالاری، نیز اولین شرط اساسی وبر برای بوروکراتیزه شدن، توسعه کمی وظایف اداری دانسته که در گستره سیاست، وجود حکومت قوی پهنه بوروکراتیزه شدن را مهیامی کند. اولین مشی شکل گیری دیوانسالاری اموی زمانی شکل گرفت که خلفای اموی با تکیه بر کرسی سلطنت، ساختار حکومت پد رسالای جامعه عرب را به نظام سلطنت مبدل نمودند. با واکاوی دلایل تاریخی - اداری و نظری که اساس بوروکراتیزه شدن دیوانسالاری حکومت امویان را میسر کرد، بیانگر آن است که عوامل مورد نیاز و متغیرهایی که برای بهبود و بسط نظام اداری الزامی می بود در ساختار سیاسی امویان در تنگنا قرار داشت. گستردگی خلافت اموی، نیازمند دیوانسالاری منظم و قوی بود که بتواند امور خلافت را سر و سامان دهد. لذا فرایند شکل گیری دیوانسالاری در عصر امویان متناسب با این شرایط نبود در این عصر بیرون کردن حکام مسلمان از نواحی تحت سلطه و اختلاف و درگیری ملت غیرعرب با حکام محلی عرب، باعث گردید که دیوانسالاری

قدرتمند و منظم شکل نگیرد. (طبری، بی تا، ج ۲: ۲۴۵). البته کشمکش قبایل عرب و جنگ قدرت امرای اموی درد مشق با یکدیگر باعث تضعیف خلفای اموی و مانع ایجاد بوروکراسی منظم گردید.

عوامل فرهنگی - تمدنی

شیوه ی حکومت سیاسی پاتریمونیال در آغاز، حاکم با کمک خاندان خود و مشارکت متنفذین و صاحبان قدرت از حکومت های محلی، مسیر را برای شکل گیری نظام اداری - سیاسی پاتریمونیال مهیا می کند تا با اقتدار به وظایف و مسئولیت ها عمل نماید. در این نظام اداری جدید به سبب الزامات و نیازهای جدید حکومت پاتریمونیال و تداوم و پیچیدگی فزاینده امور اداری، مشاغل جدید شکل می گیرند به شکلی که خاندان سنتی بدون حوزه اداری مربوط به دبیری، منشی گری و سلسله مراتب، وجود آنها از ثبات و قدرت لازم بهره مند نمی شد (وبر، ۱۳۸۴: ۴۱۴). با توجه به نکات مهمی که وبر در نظام بوروکراسی به آن اشاره می کند، حتی با شکل گیری انقلاب و دگرگونی های مهم در جامعه رخ می دهد دیوانسالاری استمرار پیدا می کند. با تحلیل تکامل تاریخی دیوانسالاری جوامع شرقی و اسلامی به این نکته پی خواهیم برد (صبوری، ۱۳۸۰: ۳۲۱).

اعراب پس از تسلط بر قلمرو امپراتوری های ساسانی و بیزانس از دستگاه اداری شان تقلید کردند و اداره حکومت خود را به سبک حکومت های ساسانی و بیزانس در این شیوه کم و بیش در دوره های مختلف تداوم یافت و تشکیلات اداری بسته به نیرومندی یا ضعف نظام سیاسی و اقتصاد جامعه، گسترده و یا محدودتر شد. اعراب به خوبی برتری عناصر غیرعرب در نویسندگی را دریافته بودند لذا دیوان هرمنطقه توسط دبیران و کارکنان محلی همان منطقه اداره می شد (جهشگیری، ۱۳۵۷ق: ۳۵، ۴۰ و ۴۹؛ فرای، ۱۳۵۸: ۸۷). به سبب پیوندهای اجتماعی و آگاهی مردم محلی بر زبان استفاده شده در دیوان ها آنها بیشتر از مسلمانان برای انجام کارهای مختلف اداری توانایی داشتند (سیدیو، ۱۹۶۹م: ۱۳۱). این بدان معناست که با تشکیل و گسترش نظام سیاسی پاتریمونیالیسم اموی و گسترش نقش ها و وظایف دیوانی، ضرورت داشتن تخصص و توانایی برای اداره حکومت بیشتر برجسته شد، اما اعراب با فن نویسندگی، امور اداری - دیوانی روش مملکت داری و تشکیلات نظامی که لازمه اداره امپراتوری پهناورشان بود آشنایی نداشتند و از روش هایی که اداره چنین حکومتی را می طلبید نیز بی بهره بودند (جهشگیری، ۱۳۵۷ق: ۴۰ و ۴۹؛ ابن خلدون، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۸۶ - ۲۸۵، ۲۸۹ و ۲۹۱؛ ولهاوزن، ۱۳۷۷: ۲۷ و ۳۱؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۴۵).

علاوه بر بیگانگی عرب به امر سیاست و امور تشکیلاتی، دشواری رسیدگی به دیوان ها نیز در این امر تأثیر داشت (اصطخری، بی تا: ۱۴۶؛ طبری، ج ۵، ۵۲۵؛ ابن اثیر، ج ۱۳۸۵، ۴ق: ۱۴۰). به این ترتیب اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به تنهایی کفایت نمی کردند و حاکم پاتریمونیال اموی ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان در دستگاه دیوانی خود بود تا مناصب نظامی و اداری را به آنها واگذار نماید و این همان امری است که ترنر در شرح آرای ویر به آن اشاره می نماید (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۵۸). نکته دیگری که در خور توجه است آن است که در نظام پاتریمونیالیسم اموی با تأسیس دیوان ها اداری و افزایش درآمدهای حکومت به تدریج طبقه دبیران کانون توجه واقع شد. با وجود اهمیت و نقش دبیران در اداره امور مملکت، اعراب نگاه مثبتی به این پیشه نداشت. در واقع مسلمانان عرب سر و کار داشتن با قلم و مشاغل مرتبط با آن را دون شأن خود دانسته و در نگاه آنها شمشیر جایگاهی برتر از قلم داشت (جهشیاری، ۱۳۵۷ق: ۸۱ - ۸۰).

با توجه به جایگاه، مقام و سهم دبیران در توسعه و تکامل نظام سیاسی - اداری پاتریمونیال که با گسترش تقسیم کار، ازدیاد مکتوبات و ایجاد سلسله مراتب اداری، خصوصیات دیوانسالارانه به خود می گیرد. طبقه دبیران در ساختار سیاسی - اجتماعی حکومت اموی محدودیت هایی داشتند و فعالیت آنها فراگیر نبود زیرا سیاست عرب گرایی و تعصبات نژادی خلفای اموی سبب می شد تا علاوه بر آنکه تجارب اداری حکومت های مفتوحه را از صافی سنت های قبیله ای گذرانده، فرصتی نیز به مردم مناطق مفتوحه داده نشود تا آنها به فراخور توانایی و استعداد خود بتوانند مملکت را اداره نمایند و بدین ترتیب ساختار قدرت بر نظام اداری تأثیری منفی می گذارد. و بر کنترل شدید نظام اداری از سوی مراکز قدرت را به عنوان یکی از علل ناکامی در توسعه بوروکراسی دانسته است؛ زیرا رابطه نظام بوروکراسی با نیروهای بیرونی مانند صاحبان قدرت، یکی از متغیرهای مهم در مطالعه دیوانسالاری است و مهم تر آنکه سازمان اداری، شاخص و معیار تقسیم بندی اقتدار سنتی به پدرسالاری و پاتریمونیالیسم بوده است (اشرف، ۱۳۵۷: ۸۰ - ۷۹). بنابراین محدودیت نخبگان اداری و فراگیر نبودن فعالیت دیوانی آنها که بازوی تشکیلات نظام پاتریمونیالیسم اموی بودند (جهشیاری، ۱۳۵۷ق: ۴۰ - ۶۷؛ ابن ندیم، بی تا: ۴۴۳؛ بلاذری، ۱۴۲۲ق: ۲۲۸) نیز از موانع ساختاری تکامل و تداوم نظام دیوانسالاری امویان به شمار می رود.

۳. عوامل اجتماعی

در میان عواملی که تأثیر پایداری در بوروکراتیزه شدن دارد، تأمین نظم، امنیت و رفاه اجتماعی است. تأمین این امور که تا حدی با شرایط اقتصادی ارتباط دارد، در فرایند دیوانسالاری مؤثر است. (ویر، ۱۳۸۴: ۳۳۷) بنابراین امنیت و رفاه از جمله پیش شرط و متغیرهای بیرونی اند که جریان تکامل و تداوم دیوانسالاری را به پیش می برند. نابرابری و تضاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه عصر اموی را دگرگون کرد. خاندان اموی که از زمان خلافت دومین خلیفه راشدین مقدمات قدرتشان در ناحیه شام فراهم شده بود، با رسیدن به خلافت، سیطره قدرت خود را در تمام جهان اسلام گسترش دادند. بنای حکومت بنی امیه بر اصل سیادت و برتری عرب باعث شده بود که حکومت و به دنبال آن وابستگان به نظام حکومتی مردم غیر عرب را بندگان خود دانسته و آنها را از تمام حقوق مدنی و اجتماعی خود محروم نمایند (دینوری، ۱۹۶۰م: ۲۹۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۷: ۱۵۵؛ طبری، بی تا، ج ۷: ۱۶۵ - ۱۶۳). گرچه از آغاز فتوح، اشراف و دهقانان ایرانی توانستند با قبول اسلام نفوذ و سیطره خود را حفظ کنند (فلوتن، ۱۳۵۲: ۴۲)، اما این طبقه در مقایسه با شمار چشمگیر بومیان غیر مسلمان بسیار اندک بودند و نمی توان آنان را در توازن با امیران و خلفایی قرار داد که با رفتار سوء خود دشمنی و تدبیر موالی را علیه حکومت موجب شدند (ابن عبدربه، ۱۴۱۱، ج ۳: ۴۱۵).

موالی مخالفت با بنی امیه را در دو شاخه متفاوت فعالیت های سیاسی و ادبی آغاز کردند و پس از مدتی با پیوستن به هر جریان مخالف حاکمیت، عزم خود را برای پایان دادن به برتری جوییهای اعراب آشکار نمودند (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۹: ۲۹۷ - ۳۰۸). به این ترتیب تعصب های نژادی امویان علاوه بر موانع جدی در استفاده از دستاوردهای ملل مغلوب، پیامد مهمتری نیز در بر داشت و آن شورشهای پی در پی مردم نواحی فتح شده بود؛ شورشهایی که جدا از آنکه سبب تحلیل توان نظامی و سیاسی بنی امیه گردید، در نهایت به همراهی گسترده موالی با عباسیان منجر شد. نارضایتی موالی و کشتار علویان زمینه گسترش اندیشه جدایی ایرانیان و بهره گیری رقبای بنی امیه از آنها گردید. مخالفت احزاب سیاسی و مذهبی با امویان نه تنها بخشی از توان نظامی و سیاسی خلافت را به خود مشغول کرد و خلفای اموی به جای پرداختن به امور حکومتی، هم خود را صرف مبارزه با آنها کردند؛ بلکه علاوه بر این، نظم و امنیت اجتماعی که تأثیر پایداری در توسعه بوروکراسی داشت، از جامعه دور شد

۴. نظام مالی

ویر معتقد بود که هر یک از انواع اقتدار برای اعمال قدرت از ابزار اقتصادی استفاده نمی کند از طرفی سلطه، در هر موردی قدرت اقتصادی را برای بنیان و تداوم خود لازم می داند. از این رو بخشی از

تحلیل وی از نظام سیاسی اقتدار سنتی، اختصاص به روابط نظم اقتصادی جامعه و حکومت پاتریمونیاال دارد. در واقع حکومت پاتریمونیاال برای آنکه بتواند بر قوای گریز از مرکز برتری خود را به دست آورد در صدد است که اصناف و حکومت های محلی در برابر فرامین سیاسی و مالی وی تابع باشند(اشرف، ۱۳۸۷: ۸۸).

بنابر این نظام اقتصادی و شرط های گسترش سازمان اداری و حیطه اقتدار حاکم نظام پاتریمونیاالیسم است و با توسعه و روند نظام اداری رابطه بنیادی دارد. تکامل سیاست اقتصادی پیش شرط نظام و تشکیلات اداری مدرن است؛ زیرا پرداخت حقوق دستمزد کارمندان به صورت نقدی است و این نوع پرداخت برای رفتار و سلوک دیوانسالارانه اهمیت بسزایی دارد(وبر، ۱۳۸۴: ۳۰۷-۳۰۸). نمونه این امر را می توان از همان آغاز حکومت معاویه ملاحظه کرد. با تکیه معاویه بر اریکه قدرت، او تنها به درآمد شام اکتفا نکرد و طبق دستور او والیان ملزم شدند که سهمی به خزانه دمشق ارسال نمایند. همچنین اهمیت اقتصادی و منابع مالی عراق بود که جدای از مسائل سیاسی، در کوشش عبدالملک بن مروان (۸۵ - ۶۵ ق) برای تصرف این منطقه تأثیرگذار بود (ابن اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵: ق ۳۲۳). اما با این حال بایستی به این نکته توجه داشت که درگیری های داخلی، قیام و شورش های پی در پی تشکل های مذهبی و اجتماعی چون خوارج و موالی غیرعرب، مشکلات سیاسی و نظامی زیادی برای امویان به وجود آورد. چنان که حکومت اموی با بحران اقتصادی مواجه گردید. در نهایت نیز وجود مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه مالی از عواملی بود که تلاش خلفای اموی را برای تکمیل و استمرار دیوانسالاری گسترده و متمرکز با شکست مواجه کرد.

نتیجه

در بررسی سیر ساخت دیوانسالاری و تطور اصول اداری قدرت سیاسی، عوامل اقتصادی، تمدنی و اجتماعی تأثیرگذار است. به ویژه ساختار سیاسی حکومت و نظام اداری بر مبنای دیدگاه و بر رابطه علی و تأثیر متقابل دارند. البته تأثیرات اصول و مبانی زیرساخت های اداری سیال بوده و با یکدیگر متداخل است. هنگامی که امویان حکومت خود را تشکیل دادند، به جهت گسترش قلمرو و نیاز حکومت برای اداره مملکت، خلیفه نیازمند آن شد که افرادی بیرون از خاندان خود را به خدمت گیرد. به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیر عرب و بهره گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی پاتریمونیاال تحول یافت، اما تکامل تشکیلات دیوانسالاری دودمان اموی با

موانع همراه شد. قدرت سیاسی، امنیت اجتماعی، دگرگونی های تمدنی و رفاه اقتصادی که در استمرار بوروکراسی از عوامل تأثیرگذار است، به سبب آشفتگیهای داخلی، کشمکش سیاسی، اختلافات مذهبی و نابرابری اجتماعی که ضعف منابع مالی حکومت را هم به دنبال داشت، تکامل و تداوم نظام بوروکراسی متمرکز در خلافت امویان را ناکام گذارد.

منابع و مأخذ

- ابن حوقل، محمد، (۱۹۳۸)، مسالک الممالک، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، محمد بن عبدالرحمان، (۱۳۵۲)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبای، (۱۴۱۴ق) الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ابن عبد ربه، احمد، (۱۴۱۱ م) العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمی.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی، (۱۳۸۵ق) الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
- ابن ندیم، محمد، (بی تا)، الفهرست، تهران: انتشارات ابن سینا.
- اجتهادی، ابوالقاسم، (۱۳۹۳). بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران: سروش.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۷). جامعه شناسی ماکس وبر، تهران: نشر هومن.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک الممالک، تهران، انتشارات کتابخانه صدر: بی تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۶۱۲ ق) فتوح البلدان، بیروت: دار الفکر.
- بندیکس، رینهارد، (۱۳۸۲ش) سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس.
- پطروشفسکی، ایلیا، (۱۳۵۱ش) اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ترنر، برایان - اس، وبر و اسلام، (۱۳۸۸) ترجمه حسین بستان و دیگران، قم: انتشارات حوزه و پژوهشگاه،
- حسن، حسین الحاج، (۱۹۹۴)، حضاره العرب فی العصر الأموی، بیروت: مؤسسه الجامعیة للدراسات و النشر.
- دنت، دانیل، (۱۳۵۶) مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- دینوری، ابو حنیفه، (۱۹۹۰ م.) أخبار الطوال، قاهره: منشورات الرضی.
- سپهری، محمد، (۱۳۸۹) تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- سیدیو، لوئیز، (۱۹۹۹ م) تاریخ العرب العام، ترجمه عادل زعیترا، بی جا: مطبعه عیسی البابی حلبی.

- صبوری، منوچهر، (۱۳۸۰) جامعه شناسی سازمان ها، تهران: سخن.
- طبری، محمد بن جریر، (بی تا) تاریخ الرسل و الملوك، چاپ محمد ابو الفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: التراث العربی.
- فرای، ریچارد، (۱۳۰۸) عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
- فلوتن، فان، (۱۳۵۲) تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، ترجمه مرتضی حائری، تهران: اقبال.
- مسعودی، ابوالحسن علی، (۱۶۱۲ ق) مروج الذهب و معادن الجوهر، تصحیح شارل پلا، قم: الشریف الرضی.
- وبر، ماکس، (۱۳۸۶). اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: انتشارات سمت.
- ولهاوزن، یولیوس، (۱۳۷۹ ق) تاریخ الدوله العربیه، باریس، داربیلیون: ۱۳۷۷.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح، (۱۳۹۷)، التاریخ، بیروت: دارصادر.

Analyzing the Relationship between the Administrative System and the Power Structure and their Influence on each other During the Umayyad Period

Hatem Musaei, Ghafar Pourbakhtiar, Abdul Aziz Mohd

Abstract

Bureaucracy, as one of the requirements for the continuity of the political structure of the government, has played a significant role in establishing the authority of the Umayyad caliphate. During the Umayyads' rise to power, in accordance with the expansion of the Islamic territory and the feeling of the central government's need to establish order and control various parts of the conquered countries, the bureaucracy expanded. In this way, the traditional patriarchal authority of the Umayyads was transformed into a patrimonial political system by employing non-Arab elements and using administrative structures, but the evolution of the Umayyad dynasty's bureaucratic structures was accompanied by several obstacles. With the emergence of the administrative system in the Umayyad period and the continuation of the power of the Umayyads for about a century, and also considering the evolution of this administrative system in the period after the Umayyads, this research is based on a descriptive-analytical approach, based on library data and based on the concept of traditional authority. Weber examines the role, influence and mutual relationship of bureaucracy and political authority in the continuation of the power of the Umayyad Caliphate. The findings of this research show that the Umayyad government adopted the administrative system of the Sassanid and Byzantine empires and found characteristics of patrimonialism, but religious differences, internal problems and social injustice prevented the promotion of bureaucracy in this period.

Keywords: Umayyad Caliphate, Traditional Authority, Bureaucracy, Power Structure, Political Structure.